

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ جولای ۲۰۱۹

بستن مهار شتر به دم خر و رابطه آن با قطعنامه کنفرانس قطر - ۱

سه شنبه - ۱۸ سرطان ۱۳۹۸ - کابل: شاید شما هم راجع به شکایت شتر چیزی شنیده باشید، اگر هم نشنیده باشید لطف نموده یادداشت امروز را با دقت همیشگی تان بخوانید.

گویند زمانی کسی که با زبان حیوانات آشنا بود، از شتر پرسید: "ای حیوان نجیب، صبور و خستگی ناپذیر، می توانی بگویی که در تمام مسافرت‌هایی که تا حال انجام داده ای، روز ها و هفته ها بی آب و علف دشت های سوزان را زیر پای گذاشته ای تا بار اولاد آدم را به سرمنزل مقصود برسانی، چه چیزی تو را بیشتر از همه چیز اذیت کرده و باعث رنجت شده است؟" شتر بعد از اندکی مکث و فکر در باره تمام مسافرت‌ها و رنج‌هایش جواب داد:
"واقعیت مسأله این است که در تمام مسافرت‌ها و راه پیمائی ها آنچه بیشتر از همه چیز مرا رنج داده است، زمانبست که کاروان به ناگذیر به عقب برگشته است و مهار من را به دم خیر بسته اند، این بیشتر از همه چیز من را رنج داده و می دهد"

طبق اعلام رسانه ها روز گذشته، اعضای شرکت کننده در کنفرانس قطر یعنی ۶۰+۱۷ بعد از جلسات و سخنرانیهای چهار آتشه این و آن، سرانجام چند تن را در اتاقی فرستادند تا قطعنامه مذاکرات شان را بنویسند. آنها هم بعد از ساعتها شور و جلسه، چیزی را به نام قطعنامه در ۸ ماده به تصویب رسانده، تقریباً از تمام جهان اکیداً تقاضا نمودند تا آن قطعنامه را به رسمیت شناخته، از آن حمایت نمایند. در نتیجه من که اساساً و قتم را به بحث در مورد چنین جلساتی که از سیر تا پیاز آن وابسته به استعمار و ارتجاع هار مذهبی اند، ضایع نمی سازم؛ نیز ناگذیر شدم تا در جواب این فراخوان عمومی مختصراً عرض بدارم که از نظر من تمام مسایل را به اسلام و دساتیر آن گره زدن، چیزی شبیه همان بستن مهار شتر به دم خر است. اگر باور ندارید مشترکاً می خوانیم.

۱- در چند ماده این قطعنامه در موارد مختلف از اسلام تذکار به عمل آمده است، در ماده دو "حاکمیت نظام اسلامی"؛ ماده سه "حفظ ارزش های اسلامی"، ماده سه به صورت غیر مستقیم "ارزش های والای .."؛ در بند دوم ماده پنج عام المنفعه دانستن نهاد های دینی و مذهبی؛ در ماده ششم حقوق زنان را به "چارچوب ارزش های اسلامی" گره زدن؛ در

بند اول ماده هفتم با جمله "توافق روی نظام اسلامی در افغانستان"؛ سرانجام در ماده هشتم سگان زنجیری امپریالیسم امریکا یعنی "سازمان کنفرانس کشور های اسلامی" را تضمین کننده صلح اعلام داشتن.

۲ - بحث "حاکمیت نظام اسلامی" و "توافق روی نظام اسلامی در افغانستان" بدین معناست:

الف- دولت فعلی افغانستان و قانون اساسی آن اسلامی نیست، هرگاه تمام شرکت کنندگان در کنفرانس و امضاء کنندگان قطعنامه بدین باور می بودند که نظام فعلی در افغانستان اسلامی است، می بایست از حفظ آن صحبت به عمل می آوردند.

ب- سرانجام کسی نگفته که منظور آنها از نظام اسلامی چیست؟؟ و در کدام قالب و شکل می خواهند آن را تجسم ببخشند؟؟ امارت طالب، جمهوری دولت دست نشانده، خلافت نوع داعش و یا هم سلطنتی نوع عربستان؟؟

پ- قطعنامه مشخص نمی سازد که اصولاً نظام اسلامی چه نوع نظامیست؟ چه مناسباتی با حقوق و آزادیهای دموکراتیک دارد؟ برای فردی که اعتقادی به اسلام ندارد و به اصطلاح آخوند ها مرتد است، حق حیات قایل است و یا نه؟ برداشت آنها از داشتن و نداشتن دین و مذهب چیست؟ در نظام اسلامی افراد جامعه شهروند هستند و یا عبد و عبید و ناگذیر به اطاعت از اوامر و فرامین نظام که زیر عنوان فتوای شرعی صادر می گردد؟؟ مگر تمام این موارد عقبگرد نیست؟؟ مگر چیز دیگریست به غیر از بستن مهار شتر به دم خر؟؟ آیا مردم ما بعد از ۴۰ سال غسل خون همین شایستگی را دارند که چیزی را به نام نظام اسلامی از گورستان تاریخ بیرون کشیده بر آنها تطبیق نمائیم؟؟

ادامه دارد